

## جنش زنان عالم

انجمن نمایندگان زنان عالم در پاریس

شکسته باد دست ظلم و استبداد که باعث اسارت جنس زیبا و لطیف گردید و نابود باد بازوی جور و ستم که اینگونه خواهران ما را بی بهره از هر حقوقی نمود. آری دیر گاهی است که مردان حقوق حقه زنان، خواهران و مادران خود را زیر پای گذاشته آنان را کنیزان و خدمتکاران خود و اولاد خویش پنداشته اند. زنان که بزرگان عالم بروی زانویشان پرورش یافته مانند گلهای لطیف بدست مردان پژمرده گردید و آن خدمتی که میبایست بعالم انسانیت نمایند بتعویق افتاد تا الله الحمد افتاب علم بنای تاییدن گذاشت و زنان دانستند که دیگر موقع گوشه گیری نیست و بایست مردانه بپیدان آیند و مردان بفهمانند که سعادت آنان بسته به دخالت ایشان در امور خانوادگی، اجتماعی و سیاسی است. زنان که اولاد خود را قطره قطره شیرین بزرگ کرده، مادران که از سر شب تا صبح گهواره بچه های خود را تسکان داده و تاسحر در بالای بیماران خود نشسته و گریسته هر گاه داخل در امور اجتماعی و سیاسی گردند قدر و قیمت اولاد خود را بیشتر از مردان دانند و بی سبب آنان را فدای هوا و هوس و افتخارات پوچ نخواهند نمود. واضحتر بگویم بموجب تاریخ که آئینه چندین هزار سال قبل الی زمان ما است مردان نتوانستند خوی و حشی و طبیعت خشن خود را تغییر داده و ازادی ملل را شناخته، حقوق ممنوع خود را غصب نکنند!

چه خونها که ریخته ، چه خانه‌ها که بر باد رفته ، چه شهرهای زیبا که خراب گردیده ، چه اقوام قابل و با استعداد که محو شده و فدای شهوت رانی و هواهوس قوم غالب گردیده است . عجیتر اینکه تمام افراد انقوم غالب از اینهمه وحشیگریهای خود فایده نبردند بلکه نتیجه اینهمه یغما و چپاول و غارت نصیب يك طبقه مخصوص اشراف گردید چنانچه يك نظر بدولی که امروز دارای مستملکاتند این مسئله را واضح و مبرهن مینماید . این است که زنان با هوش یکمترتبه از خانه‌ها به کوچه و برزن ریختند که ای مردان بس است ، بس است ، شما نه فقط حقوق ما را غصب و مارا کنیز خود گردید بر خودتان هم بدترین دشمنی و بی انصافی نمودید اکنون دست بدست مادهید و ما را در عمل شریک خود گردانید تا بدانقدرت و مهر مادری چه معجزه‌ها خواهد نمود . این صدای جانبخش که از حنجره زنان تحصیل کرده و دانا بیرون آمد لرزه در ریع مسکون عالم انداخت و مردان دانستند عنقریب مهارت کهن ویران و اساس جدیدی بر پا خواهد گردید . از اینرو بسیاری از مردان باسنه‌زاه بر خواسته مسخره بازی آغاز کردند ولی منصفین دانستند که در مقابل کلام حق چاره جز تسلیم نیست و باید زنان را در امور شریک نمود . زنان چون دیدند اکثریت مردان موافق با اعمال اینان نیستند بامتانقتی خاص که مخصوص جنس زیبا است و با شجاعتی فوق العاده که دلیل بر همت عالی آنها است شروع به شکستن طلسمها کردند تا مردان بفهمانند که اگر تاکنون خاموش نشسته بودند نه از ضعف آنان بوده بلکه حقوق خود را

نمیدانسته یا نمیخوانستند و حال که میدانند و میخواهند تمام سدها را خواهند شکست و قدرت خود را عیان خواهند ساخت. لذا برای پیشرفت مقصود خود در اول خواستند ثابت کنند که از شوهران و برادران خود بهیچوجه کمتر نیستند و از اینرو در رشته های مختلفه علوم و صنایع داخل گردیده استعداد خداداد خود را ظاهر ساختند و در بسا موارد گوی از مردان بر بودند. چشم کور دید و گوش کرسنید که در جنگ عالم زنان چه قسم مقام شوهران خود را گرفته و وظیفه خود را انجام دادند.

از طرف دیگر زنان ممالک بیطرف در سنه ۱۹۱۵ در شهر « لاهه » تشکیل « مجمع بین المللی زنان برای صلح و آزادی » را دادند و امروز بهجاه هزار زن از جهل مملکت بزرگ دنیا اعضای ان مجمع میباشند. این مجمع اولین مجمعی است که اصول عدالت و آزادی را برای رسیدن به صلح دائمی انشاء نمود و رئیس جمهوری امریکا « ویلسون » وقتی که « چهارده مواد » صلح را پیشنهاد کرد به مؤسسه ان مجمع « ژان آدامس » اظهار داشت که هنگام نگاشتن آن مواد اصولی را که خانمها طرح کردند در نظر داشته ام (۱)

(۱) نگارنده یقین دارد که اگر زنهای ممالکی که در جنگ بودند برای صلح در « ورسای » جمع میشدند عهد نامه با شرافت تر از عهد نامه « ورسای » که مردان بستند تهیه میکردند. جای شك نیست که بموجب این عهد نامه تنگین سیاسی دانان عالم اعتراف کردند که از عهد صلح یر نمیآیند و فقط میخواهند کلاه حریف ضعیف را برآیند.

این مجمع تا سنه ۱۹۱۹ نتوانست تشکیل بشود ولی در همان سنه در « زوربخ » زنان اجتماع نموده همت خود را بر این گماشتند که بهر وسیله که ممکن است جدا در خواست اتحاد ملل عالم را نمایند که اساس دنیا را بروی بنای محکم جدیدی گذارند.

در ۱۹۲۲ مجمع زنان صلح طلب در « وین » منعقد گردیده و چون جنگ عالم مبدل به جنگ اقتصادی شده بود مقصود این مجمع تقاضای یک قانون اساسی برای امور اقتصادی عالم بود.

در ۱۹۲۴ زنان در « واشنگتن » مجتمع گردیدند و امسال هم (۱۹۲۶) از ۸ الی ۱۵ ژویه در « دوبلین » گرد خواهند آمد. نمایندگان خانمهای « زن پرور » (۱) مصری هم دعوت شده اند تا در مسائل صلح عالم، امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مباحثه نمایند و مردان را بهر وسیله قانونی و خوشی که ممکن است مجبور به اطاعت قوانین انسانیت کنند.

گذشته از مجمع « بین الملل زنان صلح طلب » برای درخواست حق انتخاب هم انجمنها نمودند و امسال از ۳۰ ماه « می » الی ۶ ژون ۱۹۲۶ دهمین انجمن بین الملل « در خواست حق انتخابات » در پاریس منعقد و نمایندگان زنان چهل مملکت در آن حضور داشتند. در این مجمع چیزیکه جلب نظر و توجه می نمود پذیرائی اعضای حکومت و اشخاص محترم از تمام نمایندگان بوده که بهترین دایلی است که مردان هم دانستند حق بجانب زنها است. اگر بخوایم نطقهای باحرارت، خطابه‌های روح بخش یا ندایر حیرت‌انگیز خانمهای

(۱) مقصود از زن پرور « فینیست » است.

این مجمع را بنگاریم این مقاله بطول انجامد . در ۳۰ ماه « می » انجمن رسماً منعقد گردید و خانمهای نماینده با لباسهای مختلف و چهره های درخشان بروی نیمکتها قرار گرفتند که ناگاه « موسیولا مورو » وزیر معارف فرانس با « کربت اشپی » رئیسه انجمن و اشخاص محترم دیگر داخل گردیدند . وزیر معارف جلسه را بنام حکومت جمهوری فرانسه افتتاح نموده از مقصد عالی انجمن اظهار تشکر کرد و در ضمن نطق خود اظهار داشت که : من اعتراف میکنم و واضح میگویم که بدبختانه در فرانس حقوقی را که به زن عطا کرده اند کافی نیست ولی رسیدن بمقصود نزدیک است و شاید نزدیک تر از آنهم باشد که خود خانمها تصور میکنند و من امیدوارم که بزودی بمرام خود موفق گردند . در خاتمه کلام این را هم اظهار میکنم که من یقین دارم این انجمن بزنان فرصتی خواهد داد که فتح جدیدی در طی طریق زن پروی نمایند . پس از ایشان چند نفر دیگر نطقهای آبدار ایراد کرده و بعد نوبت به رئیسه مجلس خاتم « آشی » گردید و چنان نطق فصیح ، متین ، پرمعنی و بلند خالی از هر گونه اغراق ایراد کرد که بی اختیار مستمعین را متأثر نمود . مضمون نطق خدمات این انجمن بزنان عالم بوده است که چگونه توانستند بسیاری از حقوق خویش را بدست آورند و در بیست و پنج مملکت مقصود خویش را از پیش ببرند . سپس از همت و شجاعت زنان فرانسه که با تمام قوای خود به این مجمع خدمت نموده اند تمجیدی بسزا نمود و اظهار داشت که به ازای این زحمات این مجمع هم با آنان مساعدت خواهد نمود تا بحق خود نائل گردند چه ، فرانس تنها دولت بزرگی است ( غیر از امریکای جنوبی و شرق اقصی )

که زنان را از این حق سیاسی محروم داشته است. باری این نطق بسیار مطول و متین و مالا مال از حقایق بلند و مطالب ارجمند است. مثلاً میفرمایند امروز حرکات زن پروری در هر مملکتی که اساس تمدنش بروی عدل، صلح و آزادی است موجود است و مقصود ما مساوات، موافقت بین المللی و صلح است. ما از آن سبب زن پروریم که میدانیم نوع بشر قابل ترقی است و آزادی، علم و مسؤولیت جنسین خواه مرد و خواه زن اثر خود را می بخشد و آن چیزیکه در وجودشان از هر چیزی شریفتر است بجنبش در آورد. پس از این سبب ما زحمت میکشیم که خود را از موهومات قدیم خلاص کنیم و قوانین و عاداتیکه مانع نشو و نمای زن است منسوخ نمائیم. این وظیفه بسی سنگین است چه این خرافات در حیات و زندگانی روزانه ما بسختی ریشه کرده است. ما نه فقط میخواهیم که زن در مدارس و دار الفنونها داخل شده مانند مرد دارای معلومات وسیعه گردد بلکه همچنین خواستاریم که بتواند هر شغل ازاد صنعتی و تجارتي را که میخواهد قبول کند و با مرد در اجرت یکسان باشد و اختلافات از میان محو گردد. سپس خانم مشار الیها از فواید حق انتخابات زنان مطولا سخن راندند و نطق خود را بجمله زیبای ذیل خاتمه دادند:

« رشته های دوستی این هفته گسیخته نشدنی است چه در يك عالمي که از رنج و بیم گسیخته ما قویترین قدرت یه نی مهر مادری را نماینده ایم. »  
 از نطق خانمهای دیگر که هر کدام نماینده زنهای مملکت خود بودند در میگذریم چه بسی مطول است و جای شرحش در این مجله نیست. خلاصه در همان شب خانمها متحداً پیشنهاد ذیل را کردند:

« نظر بر اینکه موضوعات « کدناپلیون » راجع بزین شوهر دار چنانچه در فرانسه بلژیک ، هلاند ، رومانی ، بلغار و غیره مجراست اساساً بر خلاف عدالت و انصاف و هملا بسی تأسف اوراست ،  
 « چون اغلب از ممالک متمدنه حقوق مدنی زن را کاملاً مراعات می نمایند و برای نظم داخلی خانواده یک رئیس و یک مرئوسه لازم نیست ،  
 « از آنجا که قوانین برای یک ملت فایده ندارد مگر اینکه مطابق با آداب باشد و تطور هر یک بالطبع تغییرات آن دیگر را در پی خواهد داشت ،

جمع چنین پیشنهاد میکند :

« که در تمام ممالکی که زن متزوجه از حقوق مدنی بی بهره است مجالس شورا بزودی در نسخ این اصول که مخالف با تمدن حقیقی است رأی دهند . »

روز بعد بسیاری از مردان دانشمند و علمای طایقند که از ممالک مختلفه برای تقدیر همت عالی زنان در پاریس گرد آمده بودند در مجمع نسوان حاضر گردیده از حقوق آنان دفاع جدی نمودند و مزده دادند که عنقریب افتاب حقیقت از زیر ابرهای جهل و نادانی طلوع خواهد کرد .

بنجم زون که مجمع زنان در تالار « ترکادرو » منعقد گردید روز تاریخی بود چه بیش از شش هزار نفر تماشاچی در آنجا حاضر گردید که عقیده زنان را راجع به صلح عالم و مجمع اتفاق ملل بدانند . همینکه مجلس منعقد گردید بچه کوچک دلربایی داخل شده دسته گلی به خانم رئیسه تقدیم نمود . در زیر بوسه که خانم از صورت ان طفل نمود راز

ها نهان بود چنانچه خودم گفتم: « این مجمع از برای آتیه این طفل کار میکند ». نطق خاتم المانی در آن روز قلوب را بلرزه انداخت و اثر غریبی در تالار نمود ا در ضمن نطق آتشین خود ان خاتم دانشمند چنین اظهار داشت که هنگام جگک مادر یکنفر سرباز المانی در فرانسه آمد که نعلش پسر خود را بیابد. تا هنگام شب هر چه گشت پیدا نکرد آخر يك زن دهاتی فرانسوی نزدیک شده گفت خاتم شما را می بینم خسته شده اید بیائید در خانه ما تا با هم شب را صبح کنیم. جواب داد معلوم است شما نمیدانید من المانی هستم؟ گفت بلی بخوبی میدانم ولی چون من هم در همین جنک فرزندم کشته شده و هر دو داغ دیده ایم از این سبب است که میخواهم با هم باشیم چه، آنچه ما را متحد میکند قوی تر از آن چیزی است که از هم جدا میکند « که قدر سوته دل دل سوته دوند « (۱) چیزیکه باعث افتخار و سرافرازی مشرقیان خصوصاً مسلمانان است وجود نمایندگان محترم خانمهای دانشمند مصری در آن مجمع است. همواره گفته و باز هم میگوئیم که زنان مصر با يك سرعت تصور نکردنی شاهراه ترقی و تمدن را سیر میکنند. نطقهای خانمهای مصری در آن مجمع، ذکاوت و هوش فوق العاده که اظهار داشتند بخوبی ثابت مینماید که تاچه اندازه با کمال، دارای افکار بلند، مآل اندیش و عاقبت بینند. خیلی میل داشتم چند نفر از مقدس مآبان شرقی در آن مجمع حضور میداشتند تا مشاهده میکردند چگونه علم نمر خود را میبخشد و يك زن جوان مسلمان مصری « سزاخاتم نبرای « میتواند در میان زنان و مردان عالم ثابت کند که

(۱) این مصراع از بابا طاهر است.



اسلام مخالف با تمدن عصر حاضر نیست و مقام زن در این دین مقدس بسی عالی و بلند است چنانچه گوید: ترجمه نس صریح کلام الله مجید است که: «اگر نمیتوانید بعدالت با آنها (زنان) رفتار کنید بیش از یکی نگیرید» و در جای دیگر است که «هیچوقت با وجود تمام کوششهایتان نمیتوانید با زنان خود بعدالت رفتار کنید». از این بخوبی ثابت میشود که کثرت ازواج در دین حنیف اسلام چه قدر دشوار است. البته خانمها اراد خواهید گرفت که بهتر این بود آنرا قدغن صرف میفرمود ولی باید دانست که قرآن در زمانی نازل شد که مدتها قبلش کثرت ازواج در میان عربها معمول و مرسوم بوده و حتی تا دوازده زن هم میگرفتند. پس لازم بود که اول آنرا باین سختی نمایند تا بعد خذفش آسان باشد».

راجع بطلاق آن خانم جوان گوید که قرآن حق طلاق به این شرط مجرد داده که از روی عدل و انصاف باشد و ما زنها هم غیر از این چیزی نمیخواهیم و بعد ترجمه ایات قرآنی را میناید. همچنین اظهار میدارد که خرابی احوال زن در کشرق فقط بواسطه آداب و عادات قدیمه است نه از حیث شرع و قوانین که هیچ نقص ندارد. سپس ایراد از بعضی مواد «کد ناپلیون» راجع به قوانین فرانسه در خصوص زن گرفته امیدوار است که تغییرات لازمه در قانون فرانس داده شود.

بلی خانمهای تحصیل کرده و عالمه مصری بخوبی دانسته اند که حقیقت اسلام همان آبادی عالم، رهایی زنان و خیر ابناء زمان است. ای کاش يك روز زنان ایرانی که از حیث هوش، استعداد، اخلاق بهیچوجه از زنان ممالک دیگر کمتر نیستند جنبش نموده حقوق حقه

خود را بموجب آیات قرآنی خواستار شوند. « آمین »

ملاحظه - در این مقاله قدری از صلح و صفا صحبت شد. ممکن است احدی را بخاطر رسد که ما مخالف قوای مسلحه هستیم و اساساً جنگ را بد میدانیم. این خیال بکلی باطل است عقیده ما بر این است که با بودن قوی و ضعیف در عالم صلح محال و یک خیالی بیش نیست. صلح قوی با ضعیف آشتی گرک و بره است و ابداً بان اعتمادی نتوان کرد. از طرف دیگر محال است به اقویا گفت خواهش مندیم محض خاطر ما و عالم انسانیت بیائید ضعیف شوید و ما را اسودم بگذارید. بهر قوی که این پیشنهاد را بکنید یا شما را دیوانه میدانند و یا گمان میکنند که او را احمق تصور کردید. پس بهترین چاره برای صلح عالم قوی شدن ضعیفاست. مثلاً وقتی که یک دولت دارای قشون منظم، قوای کامل، آلات و اسلحه جنگی گردید میتواند هم حقوق خود را حفظ کند و هم حقوق ملل ضعیفی که اطراف آن هستند نگهداری نماید ولی هرگاه ضعیف باشد بحکم قانون طبیعت باید یا عمال بشود چنانچه نه فقط ملل ضعیف بل حیوانات ضعیف هم یا عمال شده و میشوند. بلی باید جدیت نمود بیریق صلح را در عالم برافراشت. ولی بچه وسیله؟ بوسیله قشون منظم، مالیات مرتب، ترویج علم، آزادی افکار، مخصوصاً رهائی زنان از دست ظلم مردان. جنگ برای حفظ حقوق مقدسترین چیزی است که در عالم موجود است ولی از برای غصب حقوق ملل بزرگترین بلا است. وطن پرستی ابداً مخالف بانوع دوستی نیست. انسان میتواند هم وطن خود

را دوست داشته باشد و هم عالم را ولی همیشه باید مواظب باشد که با هم عالم دوستی بی خانمان و بی سامانش نکنند. در زیر بیرق استقلال ملل و رهائی زنان صلح عمومی است. پس باید به این دو مقصود بزرگ کوشید و قوی شد زنان وظیفه بزرگی در عالم بعهده دارند و از دست آنها عقده های مشکل باز خواهد شد پس آزادی آنان باید اولین ارزوی هر وطن پرست یا هر صلح طلب باشد. خدایا شکر که امروز در عالم زنان بی باین مسئله بزرگ برده از هر طرف اقدامات جدی مینمایند تا وظیفه مقدس مادری خود را انجام دهند.

## محصلین ایرانی در خارج

بقلم جناب آقای سید ابوالفضل طباطبائی

اروپای امروزی که مهد علم و مرکز سیادت دنیا محسوب است آثار عظمت خود را در عالم بر اثر ترقیبات علمی منتشر ساخته و سایر ملل هر یک از این بستان باشکوه گلی چیده و برای تحفه به ممالک و اوطان خود روائج غلیبه علوم را بفراخور احوال منتشر ساخته اند. اروپائی که تا چند قرن پیش سر زمین بی حاصل و افراد آن هاری از ثمرات نیکوی تمدن بودند و برای کسب علوم خود را محتاج به ملل شرق میدیدند، امروز کوی عظمت و ارتقاء را در معرکه تمدن از سایر ملل متمدنه تاریخی عالم ربوده و سایرین برای کسب افتخارات تاریخی خود ناچارند افراد خود را بدانجا اعزام دارند تا در دوره مختصری با اوطان خود عودت نموده بر اثر تراوشات علوم